

۱. گزارش سفر به شوروی

سید محمود مرعشی

دو سال پیش هیئتی به سرپرستی صدر اداره روحانیون مسلمان ماورای قفقاز جناب آقای شیخ الاسلام پاشازاده و مسئولین آکادمی علوم شوروی دیداری از کتابخانه مرحوم آیت الله مرعشی - قدس سره الشریف - داشتند. در پی این دیدار از من دعوت شد که به مدت پانزده روز سفری به اتحاد جماهیر شوروی داشته باشم و از کتابخانه های آذربایجان شوروی دیدار کنم. در سال جاری همراه يك نفر کارشناس مسائل سیاسی و يك مترجم روانه مسکو شدیم. در اولین فرصت به دیدار کتابخانه لنین در مسکو پرداختیم؛ کتابخانه ای که قبل از این سفر وصف آن را فراوان شنیده بودم. مسئول کتابخانه استقبال گرمی کرد و اطلاعات خوبی در اختیار ما قرار داد. این کتابخانه حدود سی میلیون جلد کتاب دارد که در میان آنها کتابهای اسلامی زیادی به زبان عربی، فارسی و ترکی وجود دارد. اساساً می توان گفت که به تمام زبانهای زنده دنیا در این کتابخانه کتاب وجود دارد.

ساختمان این کتابخانه عظیم و بسیار مجلل است. دوازده طبقه ساختمان اختصاص به مخزن دارد و در آن کتابها نگهداری می شود. سالنهای بزرگ مطالعه و سالنهای ویژه محققین در جنب این مخزنها بنا شده است. حدود سه هزار کارمند، خدمات و سرویس دهی را در این کتابخانه برعهده دارند. از مسئول کتابخانه سراغ کتابهای خطی اسلامی را گرفتیم. ایشان گفت بر اساس تصمیم مسئولین اجرایی، این

کتابها به کتابخانه لنینگراد منتقل شده است و در آنجا نگهداری می شود. در کتابخانه لنین قرآن نفیس بسیار کوچکی را دیدیم که ابعاد آن حدود ۲×۳ سانتیمتر بود و با دست نوشته شده بود. همچنین متن يك قسمنامه المپیک به صورت کتابی بسیار کوچک با طول و عرض ۶ میلیمتر بود. مسئول کتابخانه می گفت این کوچکترین کتاب چاپی دنیاست که در آلمان چاپ شده است.

در مسکو از کتابخانه عمومی آثار ادبیات خارجی هم دیدار کردیم. این کتابخانه دارای بخشهای مختلفی است و کلیه آثار ادبی مربوط به زبانهای مختلف دنیا در آن جمع شده است. در میان بیش از پنج میلیون جلد کتابهای ادبی این کتابخانه، کتابهای ادبی فارسی و عربی تعداد قابل توجهی را تشکیل می داد. در بخش ادبیات شرق این کتابخانه بیش از سی هزار جلد کتاب چاپی عربی و حدود شش هزار جلد فارسی و شش هزار جلد فارسی دری وجود دارد. کتابهای خطی این کتابخانه نیز به کتابخانه لنینگراد انتقال یافته بود.

دیداری هم از دانشگاه مسکو داشتیم. این دانشگاه مانند يك شهر عظیم بود و ساختمان مجللی با بیش از سی هزار اتاق و سالن داشت. این دانشگاه یکی از هفت بنای مهمی است که مهندسین آلمانی در زمان اسارت خود در مسکو بنا کردند. اما بیشترین شور و اشتیاق من بازدید از کتابهای خطی بود. بعد از چهار روز اقامت در مسکو روانه باکو شدیم. در باکو جناب آقای پاشا زاده و مسئولین آکادمی علوم آذربایجان شوروی از ما استقبال کردند. در باکو نیز تمام

کتابهای خطی کتابخانه ها به کتابخانه انستیتو نسخ خطی فرهنگستان علوم آذربایجان منتقل شده بود. در این انستیتو بیش از دوازده هزار نسخه خطی فارسی و عربی و مقداری هم نسخ خطی به زبان ترکی موجود است و بیش از چهل هزار نسخ چاپی مختلف است.

نسخ خطی بسیار نفیس را برای بازدید، داخل ویرینهای شیشه ای قرار داده بودند. اکثر این نسخ کتب ادبی و دیوانهای شعرا، از جمله شاهنامه فردوسی بود. البته کتب حدیث هم به چشم می خورد. در مجموع، نسخه ها بسیار ممتاز بود. دو جلد از فهرست این مجموعه نفیس در سال ۱۹۶۳ چاپ شده و به کتابخانه حضرت آیت الله العظمی نجفی مرعشی هدیه شده است. بقیه مجلدات آن که حدود پانزده جلد است متأسفانه چاپ نشده و به صورت تاپ شده باقی مانده است. قرار شد مسئولین آنجا زیراکس مجلدات تاپی را نیز برای ما بفرستند. در این کتابخانه نسخه های بسیار ارزشمندی وجود دارد؛ از جمله قانون بوعلی نوشته شده به سال ۵۳۷ قمری. مقاله سی ام از کتاب پزشکی زهرای طبیب قرن چهارم هجری که قدیمیترین نسخه موجود آن است، و خمسه نظامی با چندین مجلس مینیاتور بسیار ارزشمند. تفاهم نامه ای میان کتابخانه حضرت آیت الله مرعشی و این انستیتو امضا شد که بر اساس آن ارتباطی میان این کتابخانه و آنجا برقرار گشت. فهرست کتابخانه را به آنها دادیم و قرار شد در مقابل میکروفیلمی که ما از کتب خطی آنها می خواهیم، آنان نیز میکروفیلم کتابهایی را که ندارند از ما بخواهند.

در ملاقاتی که با آقای حسن اوف نخست وزیر جمهوری آذربایجان داشتیم، ایشان هدف ما را در بازدید از کتابخانه ها پرسید و بعد اظهار قایل کرد به ما در این هدف کمک کند. ایشان گفت ممکن است شما در بازدید از کتابخانه لنینگراد موفق نشوید موافقت مسئولین را در تهیه عکس و میکروفیلم از نسخ خطی آنجا به دست بیاورید. من به فرهنگستان

آذربایجان دستوری دهم تا این کار را برای شما انجام دهد. طبق قرار، لیست میکروفیلیمهای درخواستی را در اختیار فرهنگستان قرار دادم.

کتابخانه لنینگراد که به نام بنیاد خاورشناسی فرهنگستان علوم نام گذاری شده، مجموعه عظیم و نفیسی از کتب خطی را داراست و مجموع کتبهای آن بیش از ده میلیون جلد است. ما صورتی از نسخ خطی مورد نظر را تهیه کردیم تا میکروفیلیمهای آن را تهیه و برای ما ارسال کنند. در شهر لنینگراد کتابخانه بزرگ دیگری است به نام کتابخانه شدرین که بسیار مفصل و مجهز و دارای نسخه های بسیار نفیسی است. بسیاری از کتب نفیس کتابخانه اردبیل که بر مزار شیخ صفی الدین اردبیلی بوده است و در دوران جنگ ایران و روس به سرقت رفته، اکنون در این کتابخانه موجود است. خوشبختانه فهرست این نسخ چاپ شده و کتابخانه آیت الله العظمی نجفی مرعشی همه آنها را دارد.

در باکو اعضای هیئت رئیسه آکادمی علوم آذربایجان به محل اقامت ما آمده و با آنان ملاقاتی داشتیم. این آکادمی که در قام علوم کار می کند، غیر دولتی است و بودجه آن را دولت تأمین نمی کند. تعدادی از مخترعین و مکتشفین معروف در این آکادمی عضو هستند که امتیاز اختراعات و اکتشافات خود را در اختیار آن می گذارند. اعضای هیئت رئیسه آن چندین پرفسور هستند. یکی - دو نفر از ایشان از متخصصین ادبیات فارسی هستند و در آن دیدار از من خواستند تا در مراسمی که به مناسبت اعطای دکترای افتخاری به اینجانب و عضویت من در این آکادمی برگزار می شود، شرکت کنم. در این مراسم که دوازده تن از پرفسورها و مسئولین آکادمی حضور داشتند و از تلویزیون آذربایجان شوری پخش می شد؛ بنده موفق به دریافت دکترای افتخاری و عضویت در آکادمی شدم. این آکادمی در بخشهای مختلفی در زمینه علوم اهل سنت و علوم شیعی کار می کند. من به عضویت بخش تحقیقاتی علوم شیعی

انتخاب شدم. در این بخش به سؤالات مطرح شده در زمینه تاریخ، سیاست، اقتصاد، و... طی مقالاتی پاسخ داده می‌شود. سپس این مقالات در بولتن آکادمی چاپ خواهد شد و در اختیار خوانندگان قرار خواهد گرفت. عضویت در این آکادمی برای من از دو جهت قابل اهمیت است: یکی اینکه بنده بتوانم ارتباطی میان اعضای آن با جوامع و مراکز علمی خودمان ایجاد کنم و از این طریق شیعه را بهتر بتوانیم معرفی کنیم. دوم اینکه قادر به دریافت اطلاعات بیشتر از مجامع علمی و کتابخانه‌های بزرگ دنیا می‌شویم. به لحاظ اعتبار و رابطه‌ای که این آکادمی با این گونه مراکز دارد؛ می‌تواند ما را در ردیابی نسخه‌های نفیس و کمیاب و تهیه زیراکس یا میکروفیلم از آن به خوبی یاری کند.

این مسافرت پانزده روزه برای ما بسیار مفید بود. اما فرصتی بیش از این لازم بود تا بتوانیم حد اقل، کتابخانه‌های معروف و مراکز علمی و فرهنگی را بازدید کنیم. به این لحاظ دیدار از کتابخانه‌های تاجیکستان، ازبکستان و شهرهای شمال خراسان را که خیلی هم زیاد است به سفر بعد موکول کردیم. تنها در کتابخانه تاشکند، مجموعه عظیمی از کتابهای خطی اسلامی به زبان عربی و فارسی وجود دارد که تاکنون یازده جلد از فهرست آن چاپ شده است؛ یازده جلد قطور و در حدود ۷۰۰ - ۸۰۰ صفحه. در این سفر موفق شدیم ۲۶۰ جلد از فهرستهای آثار خطی کتابخانه‌های شوروی را به دست بیاوریم.

در طول هفتاد سال که از انقلاب مارکسیستی در شوروی می‌گذرد، تلاش بسیاری شده است که رابطه مسلمانان با فرهنگ و معارف اسلامی قطع شود. علی‌رغم این تلاش، هنوز شیفتگان این فرهنگ و معارف بسیاریند؛ کسانی که در طول این سالها، قرآن و کتب اسلامی را به شدت پنهان می‌کردند و فرائض خود را مخفیانه انجام می‌دادند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران نوری تازه برای آنان درخشید که با اصلاحات اخیر و آزادی مذهب در

شوروی، چهره مسلمانان بر افروخته تر و شعله‌های امید در دل آنها زنده تر شد. علی‌رغم گرفتاریهای اقتصادی با شوروی وصف ناپذیر به تعمیر و بازگشایی مساجد پرداختند. قرآنها و کتب اسلامی از مخفیگاههای منازل بیرون می‌آید و کتب اسلامی خطی و چاپی که تنها به عنوان ذخیره در کتابخانه‌ها نگهداری می‌شد، امروز مورد مطالعه قرار می‌گیرد. مسؤول یکی از کتابخانه‌های مسکو می‌گفت قبل از آزادی مذهب، شاید در طول سال یکی - دو بار مراجعه کنندگان به کتابخانه از ما تقاضای دریافت قرآن می‌کردند؛ اما اخیراً در طول يك هفته ما ۲۳ نفر مراجعه کننده داشتیم که قرآن را خواستند و از آن استفاده کردند. اکنون توجه مسلمانان شوروی بیش از هر جای دیگر متوجه جمهوری اسلامی ایران است. من چندین مسجد را دیدم که با آرم جمهوری اسلامی و قشال مبارک امام خمینی - قدس سره الشریف - با بیانات ایشان تزیین شده بود. ما باید از این موقعیت استفاده کنیم و در فراهم آوردن زمینه‌های آشنایی بیشتر آنان با فرهنگ و معارف غنی اسلامی بکوشیم. مبلغین خوب و آشنای کامل به مسائل سیاسی و منطقه‌ای باید به آنجا فرستاده شوند. البته این مبلغین باید با يك سیستم درست به آنجا روانه گردند، تا خدای نخواستہ جنبه‌های منفی نداشته باشند. منابع اصیل اسلامی به ویژه تفسیر قرآن، نهج البلاغه، صحیفه سجادیه باید هر چه زودتر با يك ترجمه و چاپ خوب به زبان آذری آماده شود و به آنجا ارسال گردد.

متأسفانه دستهای مرموزی در کار است که آنجا بین مسلمانان فراگیری الفبای لاتین را تشویق می‌کند. تا از این طریق مانعی برای آنها در دستیابی به منابع اصیل فرهنگ اسلامی که به زبان عربی و فارسی است؛ فراهم نکند. باید مسلمانان آن ديار را به فراگیری زبان عربی و فارسی تشویق کرد. من در سخنرانیها و گفتگوهایم بر اهمیت این مطالب تکیه داشتم. دولت جمهوری اسلامی باید این امور را با اهمیتی بیشتر پی‌گیری کند. ان شاء الله.

۲. گزارش سفر به یونان

محمل مجتهدشهری

باتلاش رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی در آتن و مشارکت انجمن فرهنگی ایران و یونان، اولین سمپوزیوم بین المللی اسلام و مسیحیت ارتدکس در روزهای بیست و چهارم تا بیست و ششم آذرماه در آتن برگزار شد. انسان، محیط زیست و فرهنگ از نظر اسلام و مسیحیت ارتدکس، موضوعات رسمی و اعلام شده این سمپوزیوم بود. این موضوعات اکنون برای همه ادیان الهی حساس است و پرداختن به آن ضرورت دارد. تعدادی از اساتید و دانشمندان مسلمان از ایران و تعدادی دیگر از مسیحیت ارتدکس از ایران، کانادا، یوگسلاوی و شوروی در این سمپوزیوم شرکت داشتند.

گزارش چگونگی این سمپوزیوم در مجلات و روزنامه ها به تفصیل آمده است آنچه در این گزارش به درخواست ما آمده است بیشتر توجه دادن به اهمیت این گردهماییها، فواید آن و نیز تحلیل محتوای این سمپوزیوم است.

آیند پژوهش

در این سه چهار سال اخیر ما شاهد شکل یابی حرکت فرهنگی بسیار خوبی بودیم که حاصل و نتایج بسیار خوبی داشته است.

نشست اساتید و علمای مسلمان با اساتید و علمای مسیحیت، دو جلسه در آلمان غربی تشکیل شد که چند نفر از اساتید و علمای ایران در آن شرکت داشتند. همچنین دو جلسه در ایران برگزار گردید که چند نفر از تنوریسینهای مسیحی در آن حضور داشتند. جلسه ای نیز با شرکت علما و اساتید مسلمان و مسیحی در لهستان برگزار شد.

موضوعاتی از قبیل رابطه عقل و وحی در اسلام و

مسیحیت، معنای سعادت از دیدگاه اسلام و مسیحیت، و وظایف مشترک مسلمانان و مسیحیان در جهان امروز، عناوین بحثهای مطرح شده در این نشستها بود. من به عنوان کسی که در اکثر این نشستها شرکت داشته ام نتایج آن را بسیار خوب ارزیابی می کنم و ادامه و توسعه آن را ضروری می دانم.

سمپوزیوم اسلام و مسیحیت که در آتن پایتخت یونان برگزار شد نیز نشستی بود در راستای نشستهای قبلی بین اساتید و علمای مسلمان با اساتید و علمای مسیحیت. البته مسیحیت ارتدکس، یعنی شاخه شرقی مسیحیت که خود را وارث اصلی آیین مسیحیت و کلیسا می داند. نشستهای قبلی با اساتید و علمای شاخه غربی مسیحیت، یعنی کاتولیکها و پروتستانها بود.

در عصر ظهور اسلام و گسترش آن، ارتباط و رویارویی مسلمانان بیشتر با همین شاخه از مسیحیت، یعنی ارتدکسها بود و اطلاعات مسلمانان از مسیحیت بر گرد آن می چرخید. آنچه در کتب ملل و نحل ما نیز آمده، بر این اساس است. شاخه غربی آن (کاتولیک) از سرزمینهای اسلامی، دور و چندان در دسترس نبود. پروتستان نیز آن زمان وجود نداشت.

نشست ما با ارتدکسها، زمینه نگاهی به تاریخ را فراهم ساخت. آن زمانی که مسلمانان با ایشان بیشترین رابطه را داشتند. اما علی رغم این ارتباط تاریخی و آشنایی دیرینه با مسیحیت ارتدکس، دیر زمانی است که مسلمانان با این شاخه از مسیحیت چندان ارتباطی ندارند. آشنایی مسلمانان با اروپای غربی، ارتباط آنها را بیشتر به مسیحیت غربی، یعنی